



سرسنبله	:	دریاپور، الهام، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	شکوه‌های تنهایی / الهام دریاپور؛ مصحح ابراهیم شفیعی
مشخصات نشر	:	بوشهر: دریاپور، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۸۸ص
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۰-۱۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	:	۲۰th century - Persian poetry
شماره افزوده	:	شفیعی، ابراهیم ۱۳۳۲ - مصحح
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ش ۸ / ۹ PIR۸۳۴۳
رده بندی دیویی	:	۸۱۶/۴۲
شماره کتابخانه ملی	:	۴۵۴۱۹۷۵



شکوه‌های تنهایی

الهام دریاپور

«صفحه آرای و طرح جلد: مرتضی شمسعلی پور»

«انتشارات: دریاپور»

«شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه»

«چاپ: اول ۱۳۹۶»

«شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۰-۱۷-۷»

«قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان»

«مرکز پخش: بندر گناوه، میدان امام خمینی، مجتمع تجاری جمالزاده- واحد ۳۰۲»

نمایندگی شیراز: خیابان هفت تیر، تقاطع هدایت، پلاک ۹۹، طبقه اول

«تلفن: ۰۹۱۲۶۸۷۲۷۰۰»

پیشگفتار

اشعار

۱۵ رشک آسمان

۱۶ انتظار فرج

۱۷ هدیه

۱۸ بهار

۱۹ اشک غم

۲۰ آمدم

۲۱ ماه

۲۲ بی پناه

۲۳ بی و می میرم

۲۴ بازده بهار

۲۵ پند دل

۲۶ دست برش

۲۷ ترک آرزو

۲۸ ترکه ی نار

۲۹ تنهایی

۳۰ قایقی از جنس عشق

۳۱ چشم انتظار

۳۲ چشم دل

۳۳ دخترم

۳۴ دعا

۳۵ دلگیر

۳۶ دو کیوتر بی آشیان

۳۷ چشمان مشتاق

۳۸ گلهای آرزو

۳۹ رویای کودکی

۴۰ دیدار

۴۱ روشندل

۴۲ راز و نیاز

۴۳ زیبا

۴۴ سکوت

۴۵ سنگ مزار

۴۶ سوار می آید

۴۷	سیاهی
۴۸	شعر
۴۹	شکایت
۵۰	شکوه های تنهایی
۵۲	عروس بندر
۵۴	عشق پر پر
۵۵	فجر انقلاب
۵۶	چرا نمی آیی
۵۷	فصل گلها
۵۸	قاب حسن خال
۵۹	کلامه
۶۰	پروانه
۶۱	کنج تنهایی
۶۲	کوجولو جان
۶۳	شباهت
۶۴	گروگان
۶۵	گریه بودم خنده شدم
۶۶	لهیب آتش
۶۷	ماتم جدایی
۶۸	مادر
۶۹	معلم
۷۰	معلول
۷۱	فصل خروش گلها
۷۲	ناشناس
۷۳	وقتی که ...
۷۴	دو کبوتر بی آشیان
۷۵	یادگار
۷۶	قرنم نسیم
۷۷	خدا نگهدار
۷۸	مظهر لطف و بخشش
۷۹	آخرین عشق
۸۰	آرزو



با یک بغل گل

هر اثری که خلق می شود به منزله ی ارثی است که از خالق آن اثر باقی می ماند و باعث زنده ماندن نام وی بعد از حیات وی شود. به قول حکیم فردوسی:

بناهای آباد گردد خراب ز سرما و از تابش آفتاب
بنا کردم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیاید گزند
هر آن کس که دارد هوش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین
و به قول شیخ اجل سعدی علیه الرحمه:

غرض نقشی است کز ما یاد ماند / که دنیا را نمی بینم بقای
مگر صاحب دلی روزی به رحمت / کند در حق این مسکین دعایی
اثر خلق شده تا بدینجا تأثیر گذار است که نسل های آینده با صاحب اثر آشنا شده و پس از گذشت سال ها و شاید قرن ها وی را می ستایند و در مجالس و محافل از وی سخن می گویند. به قول لسان الغیب:
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به نور عشق / ثبت است بر جریده ی عالم دوام ما
بی شک اثر خلق شده نمی گذارد نام خالق اثر در طی گذشت زمان به دست فراموشی سپرده شود، بلکه تا سالیان سال زبان ها باشد و وی را بستانند به قول سعدی علیه الرحمه:
سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکویی نبرند
و یا:

هم نیکو بر ماند ای / به کز او ماند سرای زرنگار
یک اثر مکتوب در بین گذشته و زمان حال است که از آن طریق نسل های امروزی با فرهنگ غنی گذشته ی خود آشنا شده و سانس زور و بخار می نمایند.
در این میان زمان آن برای ما ممکن است از خالق اثر سر بزند، تقدیم کردن اثر خود به عزیزترین فردی است که خالق اثر در زندگی دارد.
پر واضح است که عزیز مرد در دنیای ما همان «مادر» است که هیچ چیز و هیچ کس نمی تواند جای او را بگیرد. مادری که سال ها او را در تن پرورش داده و شیریه ی جان خود را در کام او ریخته است. حقیر با اشراف به این موضوع بسیار مهم، این اثر را به عزیزترین و همیشه تقدیم می دارم که:
دستم به گرفت و پا به پا برد / تا شیوه ی راه رفتن آموخت
یک حرف و دو حرف بر زبانم / الفاظ نامان آموخت
آن که: مگر بود اختیار جهانی به دست من / می گفتم تمام جهان را به پای تو
بنابر این حاصل همه عمرم را به عزیزی تقدیم می دارم که همه چیز من و همیشه در کنارم بوده است تا نیتیم و همراه احساس امیدواری به آینده داشته باشم و احساس تنهایی نکنم. ربی که همیشه مشوق من بوده و امیدواری و دلداریم داده است، با این اعتراف که: سر چه باشد که فدای قدم دویدم / این متاعی است که هر بی سرو پایی دارد.
حاصل همه ی سال های عمرم را
به تو که مثل سایه

بر سر من و در کنار من بوده ای

در روزهای گرم بندر و شب های سرد زمستانی

که بوی شور دریا

کوچه های تنگ زادگاهم را بر می کند

و دست های گرم و مهربان

سردی زمستان را از یادم می برد

و زمزمه های آهنگین

به فرداهای پر از امیدواری رهنمونم می ساخت

هدیه می کنم

در قالب یک بغل گل

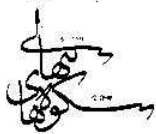
که از مزرعه ی رنج های سال های عمر چیده ام

با لبخندی به درازی آرزوهایی که سرتو شتم را رقم زد

به این امید

که فرزندی لایقی برای تو باشم

تا نفس بر می آید.



پیش‌نویس

"شکوه ساری نهایی" حاصل دل سروده های شاعری است که سال ها تنهایی و نوحه کرده و در تنهایی خویش فریادهای درونی خود را با دندای طراوت زمزمه نموده و از زندگی خود با آن ها سخن گفته است.

شاعر با شرایط خاصی که داشته، ترجیح می داده است که صرفاً همنشین تنهایی و سرایش ناگفته های درون خویش باشد و این گونه دل بی قرار خود را تسکین می دهد.

"الهام" در ابتدای نوجوانی به خلق داستان های کوتاه، که بیشتر بیانگر سرگذشت زندگی خود وی بوده است، پرداخت و از این طریق غلیان درونی خویش را نشان داد و ثابت کرد که با وجود مشکلی که از نظر جسمی دارد، نوجوانی فعال و پرتوان است و هیچ مانعی نمی تواند سد راه وی گردد. داستان های کوتاهی که از وی در مطبوعات استانی به چاپ می رسید حاکی از روح بی قرار او در دنیایی بود که به وی روی خوش نشان نداده بود تا این باور درونی را به اثبات برساند که "خواستن، توانستن است."



از آن جایی که روح بیقرار شاعر در وسعت وجودش نمی
گنجید، بسان رودی بود که در جستجوی دریاست و آنی از
حرکت باز نمی ماند و در پی آن بود که راهی به سوی مجامع
ادبی بیابد تا اندکی روح بی قرار خود را آرامش بخشد و
سکین بدهد.

با آشنایی او با انجمن شعر و ادب شهر، روح جستجوگر وی
بیشتر از پیش به ادبیات به ویژه شعر علاقه مند شد به گونه
ای که اندازه ای داستان سرایی را کنار گذاشت و به سرایش
شعر پرداخت.

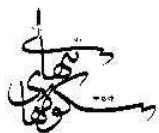
دریاپو در مدت کوتاهی تحت تأثیر شعر سپید به آن سمت
کشیده شد. راس مینه به طبع آزمایی پرداخت. البته
از طبع آزمایی راس مینه انواع دیگر شعر غفلت نورزید. اما
گرایش به شعر سپید بارز تر از بقیه ی انواع شعر بود.

از آنجایی که روحیه ی بسان به گونه ای است که دوست
دارد اثری از خود به جا بگذارد، همراه آرزوی شاعر، این بود
که سروده های خود را به چاپ برساند و در اختیار دیگران قرار
بدهد، بنابراین با تشویق آقای ابراهیم سفیدی دبیر بازنشسته
آموزش و پرورش، شاعر تصمیم گرفت بخشی از اشعار خود را
به زیور چاپ بپرازد.

شاعر دفتر سروده های خود را به مادرش تقدیر کرده است.
مادری که در تمام لحظه های عمر شاعر در کنار او و حقوق او
بوده است. مادری که از جان، مایه گذاشته و از هیچ کوششی
در کمک و تشویق وی دریغ نورزیده است.

انصافاً که "الهام" نیز قدردان تلاش های مادر بوده و سعی
کرده است فرزند شایسته ای برای وی باشد. شاعر در قسمتی از





سروده های خود به نحوی قدردانی خود را نشان داده است و
با تمام وجود با زبان بی زبانی فریاد برآورده است که:

گر بود اختیار جهانی به دست من
می ریختم تمام جهان را به پای تو

تا آن جایی که سروده است:

میدرد منی

در تمام شب ها

روزها

و سگ سیاه که کوه اندوه را

در دوش های خسته اش

به حامی کند

مادر

"دریاپور" در زمینه های دیگر هنری هم استعداد خود
را نشان داده است. مانند تئاتر که به عنوان بازیگر برجسته
برگزیده شد. وی در زمینه های مختلف هنری همچنان فعال
بوده و هیچ چیز نتوانسته است در اراده او خللی ایجاد نماید.
حضور همیشگی وی در جلسات هفتگی انجمن شاعران و هنرمندان
علاقه ی وافر شاعر به ادبیات مخصوصاً شعر می باشد. حال دل
سروده های شاعر به دوستداران شعر و ادب تقدیم می گردد.
امید است که مورد قبول قرار گیرد و صاحبان در خصوص
لغزشها به دیده ی اغماض به آن بنگرند.

سروده هایم،

آینه ای است که

محتوای درونم را

این گونه انعکاس داده است



ستاره‌ها

مثل دریای زلال شهرم که
صدف هایش را

سخت و تمندانه

بر ماسه های نرم ساحل

فرو می ریزد

تا بازیچه ی کودکانی باشند

که پا برهنه

با دلی به زلالی دریا

بر وسعت بی کران ماسه ها

رد پایی از خود

به جامی گذارند

فتح الله علی مرادی

پاییز ۱۳۹۵

